

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

کلام امام(رض) در نقض اجاره بر عکس قاعده

بحث در این بود که آیا «اجاره‌ی فاسد»، نقض بر «عکس قاعده» هست یا خیر؟ کلمات و مطالب زیادی را در اینجا نقل کردیم. آخرین مطلبی که هست این است که امام(رض) در آخر مطلب می‌فرمایند نقض به عقد اجاره «يختلف باختلاف المباني»؛ یعنی ما مطلقاً نمی‌توانیم بگوئیم عقد اجاره، نقض بر عکس این قاعده هست یا نقض بر عکس این قاعده نیست، بلکه به اختلاف مبانی مختلف می‌شود. می‌فرماید روی این مبنا که بگوئیم اجاره، اقتضای تسلیط بر عین ندارد، «لا تكون نقضاً علي عكس القاعدة»، اگر گفتیم اجاره اقتضایی ندارد که مستأجر مسلط بر عین باشد، این نقض بر عکس قاعده نیست. سپس می‌فرمایند «في مورد قلنا بعدم الضمان في الصحيح و الفاسد»؛ اگر گفتیم نه در عقد صحیح ضمان است و نه در عقد فاسد، اینجا روشن است که أصلاً دیگر نقضی وجود ندارد، اگر گفتیم عقد اجاره، اقتضای تسلیط ندارد و در صحیح و فاسد نسبت به عین مستأجره ضمان نیست، اینجا نقض وجود ندارد.

اگر گفتیم که هم در صحیح ضمان است و هم در فاسد ضمان است، آن وقت اینجا می‌فرمایند که آن موردی که در صحیح و در فاسد ضمان هست؛ دو مورد است، یکی اینکه بگوئیم مالک معتقد است که اجاره، اقتضای تسلیط بر عین دارد، دوم اینکه این تسلیط بر عین را به عنوان يك شرط ضمنی قرار داده، یعنی بگوئیم و لو عقد اجاره اقتضا ندارد که مستأجر مسلط بر عین باشد، اما گویا يك شرط ضمنی بین موجر و مستأجر هست بر اینکه مستأجر مسلط بر عین باشد. اینجا می‌فرمایند بین اینکه بگوئیم «باء» در قاعده «كل ما يضمن بصحيحه يضمن بفاسده»، «باء سببیت» است با اینکه بگوئیم این «باء ظرفیت» است فرق می‌کند؟

اگر قائل شدیم که این باء؛ سببیت است، یعنی «ما يضمن بسبب العقد الصحيح يضمن بسبب العقد الفاسد»؛ یعنی خود ذات عقد، سببیت داشته باشد، می‌فرمایند «لا يرد النقص». چرا؟ «لأنّ عقد الإجارة صحيحة و فاسده من حيث ذاته، بلا نظر إلى الأدلة و الجهات الخارجية، يقتضي الضمان في الموردين المتقدمين»؛ در این دو مورد یعنی اگر بگوئیم مالک معتقد است که اجاره اقتضای تسلیط دارد، یا شرط ضمنی نسبت به عین هست، می‌فرمایند عقد اجاره از حیث ذاتش اقتضای ضمان دارد، یعنی ذات عقد، سبب برای ضمان است، لذا نقض وارد نمی‌شود، چون در صحیحش ضمان است و در فاسدش هم ضمان است.

اگر گفتیم باء ظرفیت است و سببیت نیست، این دو مورد نقض بر قاعده می‌شود؛ یکی اینکه بگوئیم مالک اعتقاد دارد اجاره اقتضای تسلیط دارد، دوم اینکه بگوئیم شرط ضمنی در اینجا هست. می‌فرماید اگر این دو مبنا را گفتیم و باء در این قاعده را «باء ظرفیت» قرار دادیم، اینجا نقض بر قاعده است. چون اینجا در صحیح اجاره ضمان نیست، چون وقتی می‌گوئیم باء به

معناي «في» است، در عقد اجاره‌اي كه اقتضاي تسليط بر عين دارد، در اين عقد، ضمانتي نسبت به عين وجود ندارد، اما در عقد فاسد، قاعده اقتضاي ضمان مي‌كند، براي اينكه وقتي عقد فاسد شد، يد نسبت به اين عين مي‌شود يد مضمونه و اقتضاي فساد دارد. پس طبق اين مبنا كه اجاره، مقتضي تسليط بر عين باشد، نتيجه‌اش همين بود كه عرض كردم، اما مي‌فرمايد «وَأَمَّا بِنَاءٍ عَلَى أَنَّ الْعَقْدَ يَقْتَضِي التَّسْلِيْطَ عَلَى الْعَيْنِ الْمُسْتَأْجَرَةِ، فَالظَّاهِرُ وَرُودُ النِّقْضِ عَلَيْهِ»؛ اما اگر قائل شويم كه خود عقد اجاره، اقتضاي تسليط دارد، اينجا نقض وارد مي‌شود، «سواء قلنا بأنَّ الإجارة عبارة عن نقل المنافع، أو قلنا بأنَّها إضافة خاصة بين العين والمستأجر، أو غير ذلك فإنَّه على جميع الاحتمالات، لا تنبغي الشبهة في أنَّ العقد سبب لإيقاع حقَّ للمستأجر على العين المستأجرة، و هو حقَّ استيفاء المنفعة منها، كما هو مقتضى ارتكاز العقلاء في ماهية الإجارة، فحينئذٍ تكون العين أيضاً بنحو مصبِّ الإجارة»؛ اگر گفتيم كه خود عقد اجاره اقتضاي تسليط مستأجر بر عين مستأجره را دارد، و لو در ماهيت عقد اجاره نگوئيم ماهيتش تسليط است، بلكه بگوئيم ماهيت آن؛ نقل منافع است، يا بگوئيم يك اضافي خاص بين عين مستأجره و مستأجر است، امام(رض) مي‌فرمايد روي اين مبنا؛ اجاره‌ي فاسد، يكي از موارد نقض برعكس قاعده است.

چون ما هر طور حقيقت اجاره را معنا كنيم، بالأخره مستأجر يك حقي نسبت به عين مستأجره پيدا مي‌كند، آن حق هم؛ حق استيفاي منفعت است. بالأخره بعد از هر عقد اجاره‌اي، مستأجر نسبت به عين مستأجره حق دارد كه از منافع اين عين مستأجره استفاده كند. مي‌فرمايند اين يك امر ارتكازي عقلايي هم هست، به عقلا بگوئيد من خانه را اجاره دادم اما مستأجر نسبت به عين مستأجره هيچ حقي ندارد، عقلا اين را قبول نمي‌كنند. در ارتكاز عقلا اين است كه مستأجر نسبت به عين مستأجره يك حق استيفايي دارد. پس از آن تعبير را قوي‌تر مي‌كنند مي‌فرمايند به نحوي كه مصب اجاره أصلاً عين است، يعني آنچه كه اجاره بر روي آن واقع مي‌شود، آنچه متعلق اجاره قرار مي‌گيرد؛ «عين» است.

لذا مي‌گوئيم «آجرتك الدار»، نمي‌گوئيم «آجرتك المنفعة»، «عين» عنوان مصب براي اجاره را دارد. سپس مي‌فرمايند روي اين مبنا؛ عين مستأجره به سبب عقد، متعلق براي حق مستأجر است و عين مي‌شود مصب. وقتي كه عين، مصب شد، در عقد صحيح، عين مصب اجاره است، به مستأجر داده است، اگر عين از بين رفت، ضمانتي هم نبايد باشد. اما در عقد فاسد، نسبت به اين عين مستأجره، عقد فاسد است، عقد نمي‌آيد يك حقي را براي اين عين نسبت به مستأجر ايجاد كند، چون فرض اين است كه عقد، فاسد است، اگر اينطور است ما بايد قائل به ضمان شويم و اين مي‌شود مورد نقض بر قاعده، در صحيحش نسبت به عين ضمان نيست، در فاسد، ضمان هست.

پس خلاصه فرمايش امام(رض) اين است كه نمي‌شود به صورت مطلق گفت عقد فاسد، نقض است يا نقض نيست. بايد دو مبنا را در نظر بگيريم، يك مبنا اين است كه خود عقد اجاره، اقتضاي تسليط ندارد، حالا يا مالك اعتقاد به تسليط دارد يا عنوان شرط ضمنى دارد و بايد بين باء سبب و ظرفيت فرق قائل شويم. مبناي دوم اين است كه بگوئيم خود عقد اجاره، اقتضاي تسليط دارد.

تحقيق استاد در اين بحث

آنچه كه ما به عنوان تحقيق مطلب مي‌خواهيم عرض كنيم اين است كه عمده‌ي تحقيق در اينجا بايد روي اين متمرکز شود كه يد مستأجر بر اين عين در اجاره‌ي فاسد، آیا يد امانى است يا غير امانى؟ و لو اين راه اجتهادي كه امام(رض) طي كردند - كه واقعاً هم قوت اجتهاد ايشان را مي‌رساند - و فرمودند ابتدا بايد مباني در اجاره را روشن كنيم، شش تعريف ذكر كرديم. فرمودند ابتدا اينها را بايد روشن كنيم كه اولاً تعريف اجاره چيست؟ ثانياً بايد بحث كنيم كه آیا اجاره، اقتضاي تسليط بر عين دارد يا نه؟ بعد نتيجه گرفتند و فرمودند به نظر ما مسأله‌ي نقض، به اختلاف مباني مختلف است.

حالا ما راه ديگري را مي‌خواهيم طي كنيم، راه ما متخذ از راه شيخ انصاري(ره) است. عرض ما اين است كه ما يك «علي اليد

ما أخذت» داریم که عمومیت دارد. «علي الید» می‌گوید اگر کسی مال غیر را گرفت، ضامن است. از این «علي الید» يك مواردی مثل ید امانی و ید مأذون را تخصیص زده‌اند، اینها از «علي الید» خارج می‌شود. عرض ما این است که بعد از اجاره‌ی فاسد، مستأجر بر این عین مستأجره ید پیدا کرد، تا ید پیدا کرد، «علي الید» می‌آید. باید ببینیم که آیا مخصّص آن هم می‌آید یا نمی‌آید؟ مخصّص آن این است که این ید، امانی باشد. در فرضی که در بحث دیروز داشتیم که اگر موجر، عالم به فساد هست، و مستأجر را مسلط کرد، اشکال ما این بود که این از محل بحث خارج است و اصلاً نباید داخل در بحث آورده شود. يك عقد اجاره‌ی فاسدی منعقد شده، فرض این است که موجر و مستأجر هیچک عالم به فساد نیستند، مستأجر ید پیدا کرده بر عین مستأجره، ما می‌گوئیم که «علي الید» هر یدی را می‌گیرد. اصلاً شما اگر ید امانی را به عنوان مخصّص نداشتید، «علي الید» می‌گوید ید امانی هم ضامن است، اگر ید مأذون را به عنوان مخصّص نداشتید، می‌گفت ید مأذون هم ضامن است، «علي الید» عمومیت دارد، این عموم، ید مستأجر را می‌گیرد.

إنّما الكلام در اینکه آیا در اینجا مخصّصی بر اینکه این ید، از ید عدوانی و علي الید خارج شود، مصداق برای مأذون باشد یا نه، داریم یا نه؟ در اینجا یا می‌گوئیم مخصّص نداریم و یا می‌گوئیم برایمان مشکوک است. همین مقدار که می‌گوئیم مشکوک است، این عام شامل این ید می‌شود. لذا ما باید قائل به ضمان شویم. در این راه اصلاً نیازی نیست به اینکه ما مبانی مختلف در باب اجاره را بررسی کنیم. و لو اینکه ما بررسی کردیم، نظر خودمان را هم ذکر کردیم، اصلاً نیاز نیست که بگوئیم آیا عقد اجاره اقتضای تسلیط دارد یا ندارد؟ عقد اجاره اقتضای تسلیط داشته باشد یا نه، الآن عقد، عقد فاسد است، بالآخره اگر هم بگوئیم عقد اجاره اقتضای تسلیط دارد، کدام عقد اجاره اقتضای تسلیط دارد؟

عقد اجاره‌ی صحیح، اقتضای تسلیط دارد و عقد فاسد که اقتضای تسلیط ندارد. ما هستیم و يك عقد فاسد، نباید مبانی اجاره بحث اقتضای تسلیط را مطرح کنیم. راه؛ همان راهی است که مرحوم شیخ(قده) بیان کرد. شیخ(قده) به عموم «علي الید» تمسّك کرد و الآن مستأجر ید پیدا کرده و ما شك در مخصّص داریم. در اینجا باید قائل به ضمان شویم. حالا می‌گوئیم اگر اینطوری بگوئیم قاعده «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» مورد نقض وارد می‌شود؟ ما نقض را قبول می‌کنیم، این که فرمودند «نقض الاجارة یختلف باختلاف المبانی» را هم قبول نداریم، این نقض در اینجا مسلماً واقع می‌شود، اجاره صحیح نسبت به عینش، ضمان نیست، چون یدش ید مأذون است، اما در ید فاسد نسبت به عین، ضمان هست.

به مناسبت شهادت آیت الله مرتضی مطهری (ره)

تذکر: قبل از آغاز درس، یکی از شاگردان از حضرت استاد(دام ظلّه) تقدیر و تشکر کردند. سپس حضرت استاد نسبت به شخصیت علمی استاد شهید مطهری(ره) بیاناتی داشته‌اند که در ادامه می‌آید.

با عرض تبریک به مناسبت سی و یکمین سالگرد شهادت معلم بزرگ و شهید؛ حضرت آیت الله مطهری(ره)، به همین مناسبت ما امروز با کسب اجازه از محضر استاد معظم(دام ظلّه) فقط خواستیم با دست خالی تقدیر و تشکری از محضر حضرت‌عالی‌شان داشته باشیم. بالآخره ما سالیانی در کنار سفره‌ی با عظمت علم و فقاہت این پدر و فرزند که بحمدالله گذشتگان ما هم فیض بردند و ما هم فیض می‌بریم، لازم بود که حداقل تقدیر و تشکری از استاد فرزانه و دانشمند معظم داشته باشیم. من به پاس خدمات و زحماتی که استاد ارجمندمان دارند، فقط يك حدیثی را تقدیم می‌کنم. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيماً وَ قَبِلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ» ؛ در محضر دوستان، ترجمه حدیث لازم نیست. به هر حال همین مقدار که من یقین دارم که به لطف خداوند متعال اگر اینگونه نبود، این همه تأثیر هم نبود، الحمدلله

قطعاً در وجود استاد عزیزمان، خلوص با مراتب عالیه وجود دارد، و در محضر شما دوستان هم که من اقرار می‌کنم که شما هم اخلاص دارید که در درس شرکت می‌کنید و این همان چیزی است که إن شاء الله مصداق این حدیث واقع می‌شود.

خداوند متعال به برکت دعای استاد عزیزمان ما را لایق این قرار دهد که بتوانیم از درس و علمی که خدای متعال این سفره را باز کرده و در اختیار ما قرار داده، استفاده کنیم. یک روز که در خیابان در محضر استاد بودیم، یکی از بازاری‌های قم نزدیک آمدند و این جمله را فرمودند که «خوشا به حال شماها». من فکر کردم که چیز دیگری می‌خواهد بگوید، اول خیلی نگاهم خوب نبود، بعد ایشان فرمود که «خوش به حال شمايي که چنین استادي دارید، بدون اینکه شما متحمل هزینه‌ای شوید درس می‌خوانید». بالأخره هر جا که درس می‌خوانند يك شهریه‌ای پرداخت می‌کنند ولی ما هم شهریه می‌گیریم و هم مجانی درس می‌خوانیم. این چیز عجیبی است و ایشان فرمود که خوش به حال شما که دارید با این ماهیت به صورت مجانی از این افراد استفاده می‌کنید و فرمودند من این آقا را از کوچکی می‌شناختم که بحمدالله ایشان همان لیاقتی را دارند که عده‌ای دنبال ایشان به این صورت حرکت کنند و از علم ایشان استفاده کنند. برای سلامتی همه علمای اسلام و خدمتگزاران به اسلام و قرآن و همه اساتید، به ویژه به روح مطهر و منور حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) صلواتی را هدیه می‌کنیم. رحمت و رضوان خدا بر این مرد بزرگ باد. همچنین برای سلامتی استاد معظم (دام ظلّه)؛ صلواتی بر محمد و آل محمد عنایت بفرمایید.

بیانات حضرت استاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

من هم از اظهار لطفی که شما دوستان و فضلا فرمودید تشکر می‌کنم. مطالبی را ایشان فرمودند که وقتی نقل می‌کردند، آن قسمت که مربوط به من است را گفتم که تأسف این است که تمامش خیال است و إن شاء الله دعا کنیم که واقعاً انسان به این عناوین دست پیدا کند. واقع مسأله این است که اینکه بر ما عنوان «استاد» یا «معلم» اطلاق شود، غیر از استعمال مجازی هیچ چیز دیگری نیست، آن هم استعمال مجازی که با صد علاقه باید بالأخره صحبتش را درست کرد. انسان تا وقتی معلم خودش نباشد نمی‌تواند معلم دیگران باشد. ما وقتی بزرگان و اساتیدی همچون مرحوم شیخ اعظم انصاری (قده)، مرحوم آخوند (ره)، محقق نائینی (ره)، امام (رض) را می‌بینیم، اینها چه افراد و چه شخصیت‌هایی بودند، ما که فاصله‌ی زیادی با اینها داریم و تفاوت بسیار زیاد است. باید آنها را الگو قرار دهیم و ببینیم آنها چه کردند که واقعاً در زندگی اینقدر موفق بودند. حالا چون امروز هم تناسب دارد با سالگرد شهادت استاد شهید مرتضی مطهری (رض)، من در حالات ایشان فکر می‌کردم که این جامعیتی که خداوند به این مرد بزرگ عنایت کرد، معلول چه امری بود؟ آیا معلول آن استعداد بسیار زیادی بود که مرحوم مطهری (ره) داشت؟

خیلی‌ها در زمان ما و قبل از این زمان، از استعداد قوی برخوردار بوده و هستند، از حافظه‌ی قوی برخوردارند، باید در این تأمل کنیم که چه شد که شخصیتی مثل مرحوم مطهری (ره)، مطهری شد و ما چه کنیم که بتوانیم مثل ایشان و بلکه اگر تلاش کنیم و خدا عنایت کند اخلاص‌مان را بیشتر کنیم، با هزار شرط و چه بسا شما برتر از ایشان قرار بگیرید؟ یک روحانی جامع و کامل که نیازهای زمان را کاملاً تشخیص داد و برای پاسخگویی به این نیازهای زمان قلم زد، سخنرانی کرد، تدریس کرد، در حوزه، دانشگاه و هر جایی که پیش آمد، یک حضور علمی قوی داشت. من این نکته را عرض کنم که یکی از جهات موفقیت ایشان و امثال ایشان، این بوده که هر مطلبی را که از اول خواندند، دنبال فهمیدن آن بودند. حتی در زمان مرحوم آقای مطهری (رض) توده‌ای‌ها می‌گفتند ما اگر بخواهیم نظریات مارکسیست را خوب بفهمیم به کتابهای ایشان مراجعه می‌کنیم. برای اینکه مطالب

آنها را خیلی خوب فهمیده بود و بعد هم مورد اشکال قرار داده بود. انسان تا يك مطلبی را درست نفهمد، نمی‌تواند درست بیان کند و اگر هم نفهمیده بیان کند، با بیان ناقص و اشتباه بیان می‌کند و بعد هم نمی‌تواند اشکال کند. یکی از عواملی که در ترقی و پیشرفت مرحوم آقای مطهری(ره) دخالت داشت؛ قوت فکر و تفکر بود که متأسفانه در خیلی از ما کم است. ما اصلاً حوصله نمی‌کنیم روی مطلب فکر کنیم. يك مطلبی را شنیده‌ایم، یا يك جایی دیده‌ایم، بلافاصله به وضوح یا می‌گوئیم صحیح است یا می‌گوئیم باطل است. این که برخورد عالمانه نیست.

انسان در یک مطلب علمی، در درجه‌ی اول باید فکر کند. راجع به مرحوم والد ما(رض) هم این تعبیر را شنیدم و گاهی اوقات نقل کردم، بعضی از آقایان فضایی که دروس بعضی از تلامذهای بزرگ محقق خوئی(ره) در حوزه قم می‌رفتند، می‌گفتند گاهی اوقات نظریه ایشان درست برای ما روشن نمی‌شد، ما به نوارهای مرحوم والد شما(رض) در همان بحث مراجعه می‌کردیم، می‌دیدیم ایشان با این که محقق خوئی(ره) را درک نکرده و درس ایشان هم نرفته، مطلب را خیلی دقیق و عمیق فهمیده و این هم در تألیفات و تقریراتی که از ایشان هست مشهود است. در مورد مرحوم آقای فلسفی(رض) که يك خطیب برجسته بود، این مطلب را من از چند نفر که با ایشان ارتباط داشتند شنیدم که ایشان گفته بود من يك ساعت برای منبر مطالعه می‌کنم، اما سه ساعت راجع به آن مطلب فکر می‌کنم. انسان باید متفکر شود تا صاحب نظر شود. اگر اهل فکر نباشد نمی‌تواند صاحب نظر شود. مگر اینکه نظرات دیگران را حفظ کند و بیاورد و بیاورد. تا فکر نباشد انسان به نتیجه و نظر نمی‌رسد. این بزرگان ما همچون مرحوم آقای مطهری(رض) و مراجع بزرگوار، یکی از جهات برجسته ایشان؛ «فکر کردن» در مطالب بوده است.

نقل کرده‌اند که از مرحوم علامه طباطبائی(ره) سؤال کردند که شما در درس اساتیدشان اشکال می‌کردید یا نه؟ فرموده بود اشکال زیاد به ذهن می‌آمد اما سعی می‌کردم خودم فکر کنم جوابش را پیدا کنم. این نکته است که از مرحوم آقای طباطبائی، علامه طباطبائی(ره) ساخته است. بنابراین؛ این ویژگی‌هایی که در بزرگان وجود دارد و در اساتید به معنای واقعی کلمه وجود دارد و استادی که خودش اهل فکر باشد و يك ذهن فکور برای دیگران به وجود بیاورد، این معنای واقعی استاد است. علی‌ای حال؛ ما از لطف شما آقایان تشکر می‌کنیم و آنچه که برای ما خیلی مهم است و واقعاً بشخصه از آقایان انتظار داریم دعاست، که شما افراد واقعاً زحمتکش و کم‌توقعی هستید و افرادی که در مسیر دین قرار دارید، دعاهای شما واقعاً با دعاهای دیگران خیلی تفاوت می‌کند. هم ما وظیفه داریم بر شما دعا کنیم و شما این لطف را داشته باشید که حتماً دعا کنید. این بهترین هدیه برای يك رفیق است که رفیق دیگر او را دعا کند. در مضافاً اجابت دعا، اگر حالی پیدا شد و موفق به نماز شب شد، واقعاً در اوقات حساس به یاد یکدیگر بودن، این بزرگترین نعمت است. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.